



استانیسلاوسکی: یک مقدمه

| ژان بندتی | علی اکبر علیزاد | تئاتر: نظریه و اجرا |
| Stanislavski: An Introduction | Jean Benedetti | Ali Akbar Alizad |





استانیسلاوسکی: یک مقدمه

ژان بندتی

ترجمه علی اکبر علیزاد

ویراستار: فریدالدین سلیمانی

نمونه خوان: سمیرا کامرانی

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، ۱۴۰۰، تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۴-۴۹-۶

 Bidgol Publishing co. | انشریدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

فهرست



۷	مقدمه مترجم
۱۱	فهرست کوتاه نوشت‌ها
۱۳	گاه‌شمار مختصر
۱۷	مقدمه
۲۱	۱ بنیادها
۴۹	۲ رشد «سیستم»
۹۷	۳ نگارش «سیستم»
۱۱۳	۴ متد کنش‌های جسمانی
۱۲۷	۵ پیشرفت یک ایده
۱۳۳	ضمیمهٔ ۱
۱۴۱	ضمیمهٔ ۲
۱۴۳	فهرست موضوعات

مقدمه مترجم

بیشتر از صد سال از پایه‌گذاری سیستم استانیسلاوسکی می‌گذرد. در این صد سال، تاریخی از تفاسیر آثار، گفته‌ها و اصطلاحات تئاتری او شکل گرفته است. سیستم مدام در معرض تفسیر، تحول و همچنان تابه‌حال مستعد تغییر بوده است.

متأسفانه این سنت تفسیری در تئاتر ایرانی قریب به ۵۰ سال است که حرکتی در جهت تغییر تفسیر و به تبع آن، پارادایم‌های بازیگری نکرده است. اکثر تفاسیر آثار استاد در اینجا یا به شدت قدیمی‌اند و یا متکی به منابع مغشوش و آشفته که بیشتر به آشوب اصطلاحات دامن می‌زنند. درعین حال در این زمینه حتی تلاشی هم برای تبیین و زیر سؤال بردن یکسان‌انگاری نادرست سیستم و متد آمریکایی از جنبه نظری / عملی نمی‌شود. ترجمه‌های مهین اسکویی از آثار استانیسلاوسکی، به‌رغم عظمت این کار در زمان خودش، نه فقط مورد بررسی و انتقاد جدی قرار نگرفت، بلکه اکنون و بعد از گذر سال‌ها سنت ترجمه تئاتری، نیاز به ترجمه مجدد را به قصد بازنگری جدی در خود اصطلاحات ناگزیر می‌سازد. به نظر من حتی همین حالا هم برای این ترجمه مجدد بیش از اندازه دیر شده است.

کتاب استانیسلاوسکی: یک مقدمه، به رغم حجم کوچکش، یکی از بهترین منابع انگلیسی زبان برای معرفی و تحلیل سیستم در بطن تحولات نظریهٔ تئاتری است. به گفتهٔ منتقدی، کار بندتی جواهری کوچک است که هر دانشجو، بازیگر و استاد تئاتر برای فهم سیستم به آن احتیاج دارد. بندتی از رهگذر تکه‌هایی از زندگی استاد روس، با زبانی روشن و شفاف، مهم‌ترین تحولات سیستم را در کنار شرح پیدایش اصطلاحات بدیهی فرض شدهٔ او توصیف می‌کند. کتاب در انگلیسی به منبعی بسیار مهم، کلاسیک و همیشگی برای فهم استانیسلاوسکی بدل شده است.

نکتهٔ مهم کتاب اما در وجه انتقادی و تا حدی غیرملموس آن نهفته است: بندتی بدون درگیر شدن در بازی‌های زبانی، سنت ترجمهٔ انگلیسی الیزابت هاپگوود (معروف‌ترین مترجم آثار استانیسلاوسکی در غرب) را به پرسش می‌کشد و به دلیل تسلطش بر زبان روسی و آرشيوهای جدید آثار استانیسلاوسکی، در اصطلاح‌شناسی و حتی تفسیر مجدد واژه‌های فنی به‌طور جدی تجدیدنظر می‌کند.

بنابراین، کتاب می‌تواند نمونه‌ای راهگشا از نگرش انتقادی به ترجمه و سنت اصطلاحات ترجمه‌شده در ایران هم باشد که بعد از قریب به حدود ۵۰ سال هنوز در راه‌های کهنه قدم برمی‌دارد و با محافظه‌کاری و تنبلی تمام‌عیار، فرصتی برای تجدیدنظر در اشتباهات و نگرستن به جلو فراهم نمی‌کند. قطعاً بخشی از عقب‌ماندگی و ساده‌بینی هنر بازیگری در سال‌های اخیر ارتباط مستقیمی با همین محافظه‌کاری و تنبلی دارد.

طبق معمول امیدوارم کتاب به جای تبدیل شدن به منبع سؤالات کنکورهای تئاتری و یا کپی‌برداری برای پایان‌نامه‌ها، راهی برای فهم محققین جوان‌تر و تجدیدنظر در سنت ترجمهٔ اصطلاحات اساسی بازیگری باز کند.

در پایان از دوست عزیزم رضا سرور تشکر می‌کنم که مانند همیشه متن را خواند و با نظراتش آن را بهتر کرد.

علی اکبر علیزاد

دی ۹۹



فهرست کوتاه نوشت‌ها

آثاری که دائماً به آنها اشاره می‌شود با کوتاه‌نوشت‌های زیر مشخص می‌شوند.
همه آثار دیگر با عنوان کامل نشان داده شده‌اند.

از استانیسلاوسکی:

SS *Sobranie Sochinenii* (Collected Works); 8 vols.
Moscow 1988-9; 1964-1951, vols. Moscow-1988

KSA Stanislavski Archives, MXAT Museum, Moscow.

از اشخاص دیگر:

SD *Stanislavski Directs*, Nikolai M. Gorchakov,
Minerva Press, New York, 1954.

MLIRT *My Life in the Russian Theatre*,
Vladimir Nemirovich-Danchenko,
Theatre Art Books, New York, 1968.

گاه‌شمار مختصر

رویدادهای زیر مربوط به زندگی‌نامه استانیسلاوسکی است که در متن به آنها اشاره شده. تاریخ‌های اجرا به شب اول اشاره دارد نه شروع تمرین.

- ۱۸۶۳ کنستانتین سرگیه ویچ الکسی یف (استانیسلاوسکی) متولد می‌شود.
- ۱۸۷۷ حلقه الکسی یف شکل می‌گیرد.
- ۱۸۸۳ استانیسلاوسکی دوره کوتاهی را در یک مدرسه درام سپری می‌کند. برای اولین بار با گلی کریا فدوتوا ملاقات می‌کند.
- ۱۸۸۸ در مدافعان راسین و قماربازان گوگول به کارگردانی فدوتوف بازی می‌کند. تأسیس انجمن هنر و ادبیات. بازی در ژرژ داندین مولیر به کارگردانی فدوتوف.
- ۱۸۹۰ دومین تور روسی گروه مایننگن.
- ۱۸۹۶ اتللو را بازی می‌کند.
- ۱۸۹۷ ملاقات با نیمروویچ - دانچنکو. تأسیس تئاتر هنری مسکو (MXAT).
- ۱۸۹۸ افتتاح MXAT (۱۴ اکتبر) با اجرای استانیسلاوسکی از تزار فیودور ایوانوویچ الکسی تولستوی.
- کارگردانی مرغ دریایی* و بازی در نقش تریگورین (دسامبر).

- ۱۸۹۹ کارگردانی هدا گابلر و بازی در نقش لوبرگ (فوریه).
- کارگردانی اجرای اول دایی وانیا* و بازی در نقش آستروف (اکتبر).
- ۱۹۰۰ کارگردانی دشمن مردم و بازی در نقش دکتر استوکمان (اکتبر).
- ۱۹۰۱ کارگردانی اجرای اول سه خواهر* و بازی در نقش ورشنین (ژانویه).
- کارگردانی مرغابی وحشی (سپتامبر).
- ۱۹۰۲ کارگردانی اجرای اول آدم‌های خُرد (اکتبر) و در اعماق اثر گورکی*؛ بازی در نقش ساتین (دسامبر).
- ۱۹۰۳ نقش پروتوس را در ژولیوس سزار بازی می‌کند.
- ۱۹۰۴ کارگردانی اجرای اول باغ آبلو* و بازی در نقش گایف (ژانویه).
- ۱۹۰۵ کارگردانی اشباح* (مارس) و اجرای اول کودکان خورشید نوشته گورکی* (اکتبر).
- ۱۹۰۶ تور آلمانِ تئاتر هنری مسکو.
بحران اعتماد.
- تعطیلات تابستانی در فنلاند. شروع سیستم.
- ۱۹۰۷ کارگردانی درام زندگی اثر کنوت هامسون (فوریه) و زندگی انسان نوشته آندریف (دسامبر).
- ۱۹۰۹ کارگردانی یک ماه در دهکده و بازی در نقش راکیتین (دسامبر).
- ۱۹۱۰ بازی در نمایش هر آدم خردمند به قدر کافی حماقت دارد نوشته آستروفسکی (مارس).
- ۱۹۱۱ هملت با کارگردانی کریگ در MXAT (دسامبر).
- ۱۹۱۵ کارگردانی و بازی در موتزارت و سالی پیری و شوالیه بدبخت اثر پوشکین (مارس).
- ۱۹۲۰ کارگردانی قابیل نوشته بایرون (آوریل).

- ۱۹۲۲-۳ تور آمریکا.
- ۱۹۲۴ ویراست آمریکاییِ زندگی من در هنر.
- ۱۹۲۶ ویراست روسی (تجدید نظر شده) زندگی من در هنر.
- ۱۹۳۰ برای اتللو طرح اجرا می‌نویسد.
- ۱۹۳۶ ویراست آمریکاییِ بازیگر آماده می‌شود، ویراست دوم روسی (تجدید نظر شده) زندگی من در هنر.
- ۱۹۳۸ تمرین تارتوف. استانیسلاوسکی قبل از افتتاحیه از دنیا می‌رود. نسخهٔ روسی بازیگر آماده می‌شود.

* همکاری با نیروویچ-دانشکوه را نشان می‌دهد.



مقدمه

سیستم استانیسلاوسکی انتزاعی نیست؛ عمل و نوعی کارورزی است. روشی است کارآمد برای بازیگران عمل‌گرا. سیستم محسوب می‌شود، چون منسجم، منطقی و نظام‌مند است. اگر کسی فکر کند این سیستم با توسل به فهمی کاملاً روشنفکرانه و مجزا از ایده‌های اصلی‌اش نتیجه‌بخش خواهد بود، مایوس می‌شود. این سیستم برساخته‌ای نظری نیست، بلکه یک فرایند است. متونی که از استانیسلاوسکی در اختیار داریم، راهنمایی برای خود فرایند و دعوت به تجربه مستقیم، شخصی و خلاقانه آن است.

لیکن این متون از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسند پیچیده‌ترند. خود استانیسلاوسکی [در طول زندگی‌اش] فقط شاهد نشر دو کتاب بود، زندگی من در هنر (که اولین بار سال ۱۹۲۴ در آمریکا منتشر شد) و بازیگر آماده می‌شود (که اولین بار سال ۱۹۳۶ در آمریکا منتشر شد). متون دیگری که در اختیار داریم، یعنی ساختن شخصیت و آفرینش نقش، بازسازی و پیرایش شده پیش‌نویس‌ها و یادداشت‌های موجود است. علاوه بر این تمامی این کتاب‌ها، احتمالاً به استثنای زندگی من در هنر که دو بار در سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۶ مورد تجدیدنظر قرار گرفت، از طرف استانیسلاوسکی موقت در نظر گرفته می‌شدند. نسخ آرشیوی هم شامل تجدیدنظرها و دست‌مایه‌های جدیدی است که برای ویراست‌های بعدی در نظر گرفته شده بودند.

هدف کتاب حاضر تدارک چهارچوبی است که بتوان از طریق آن متون موجود را خواند؛ همین طور اطلاعاتی تکمیلی فراهم می‌کند تا معنای این کتاب‌ها واضح‌تر شود و آنها را در امتداد کتاب‌هایی قرار می‌دهد که استانیسلاوسکی طرحشان را ریخته بود ولی زنده نماند تا تکمیلشان کند.

این کتاب به هیچ وجه زندگینامه نیست. چون «سیستم» از تحلیل استانیسلاوسکی دربارهٔ حرفهٔ شخصی‌اش منتج می‌شود، از عناصر زندگینامه برای نشان دادن سرمنشأ و تکامل ایده‌های او استفاده می‌شود. با این حال، تلاشی نشده تصویری شخصی و کامل [از او] ساخته شود. هر جا که لازم بوده، خطوط تحقیق نوعی توالی زمانی را دنبال می‌کند. هر جا هم برخی از مواضع اساسی‌ای که استانیسلاوسکی در تمام زندگی پیگیرش بود به بحث گذاشته می‌شود، خواننده با نقل‌قول‌هایی از دوره‌های مختلف مواجه می‌شود.

نقل‌قول‌های احتمالی، همه جا، از نسخه‌های انگلیسی‌زبان برگرفته شده است. با این حال تفاوت‌هایی اساسی بین متون انگلیسی و ویراست هشت جلدی اتحاد جماهیر شوروی از مجموعه آثار وجود دارد. هر جا که انتخاب ضرورت داشت، نسخهٔ شوروی ترجیح داده شده است. در ضمیمه، خلاصه‌ای از تفاوت‌های عمده را خواهید دید. من تا حد زیادی مدیون مقدمه‌های علمی بر مجموعه آثار هستم که جی. کریستی و وی. اچ. پروکوویف نوشته‌اند. همچنین دو سمینار در مورد سیستم استانیسلاوسکی، که توسط مرکز شوروی مؤسسهٔ بین‌المللی تئاتر در اکتبر ۱۹۷۹ و آوریل ۱۹۸۱ برگزار شد، کمک شایانی به من کرد؛ در آنجا این امکان فراهم بود که با کارگردان‌ها، بازیگران و معلمان برجستهٔ شوروی، در مورد تحولات متأخر و کارایی روش استانیسلاوسکی صحبت کرد. علاوه بر این، می‌خواهم از الکسی بارتوشوویچ، استاد تاریخ تئاتر در GITIS (مؤسسهٔ دولتی هنرهای تئاتر)، به خاطر توصیه‌ها

و راهنمایی‌های سخاوتمندانه‌اش تشکر کنیم. البته مسئولیت هرگونه سوء برداشت [از مفاهیم] کاملاً بر عهده من است.

ژ. ب.

مقدمه بر ویراست دوم

در هفت سالی که از زمان نگارش این کتاب گذشت، مطالب بسیار جدیدی درباره زندگی و کار استانیسلاوسکی در اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد، و مجموعه آثار نه جلدی پیش رو، خبر از معرفی دست‌مایه‌های جدیدی می‌دهد. برخی از این اطلاعات در بحث گنجانده شده‌اند. تحقیقات اخیر برای آماده کردن زندگینامه جدیدی از استانیسلاوسکی باعث شد تفسیرم از جنبه‌های خاصی از کار و شخصیت او را اصلاح کنم. بنابراین درحالی‌که استدلال اصلی کتاب ثابت باقی مانده، ارائه مستندات جدید مهم و اصلاح برخی از نقاط تأکید بجاست.

ژ. ب. اکتبر، ۱۹۸۸

مقدمه بر ویراست سوم

حالا هجده سال از انتشار اولین و یازده سال از انتشار دومین ویراست اصلاح‌شده این کتاب می‌گذرد. از آن زمان، با بهره‌گیری از دست‌مایه‌های جدیدی که از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق و گشایش آرشیوها در دسترس قرار گرفته‌اند، مطالعاتم را پی‌گرفتم و به انتشار آثار بیشتری درباره استانیسلاوسکی ادامه دادم. ولی باینکه هدف کتاب همان باقی مانده، برای تشریح بهتر ریشه‌ها و رشد سیستم استانیسلاوسکی، برخی تجدیدنظرها

ضروری شد. وقتی کتاب را می‌نوشتیم، ترجمه‌های الیزابت هاپگوود تنها منبعی بود که دانشجویان و معلمان می‌توانستند به آن مراجعه کنند. ولی حالا اکثر متخصصان پذیرفته‌اند که این ترجمه‌ها رضایت‌بخش نیستند، و به خاطر جرح و تعدیل‌ها، صدای واقعی استانیسلاوسکی یا گاهی اوقات معنای کارش را نشان نمی‌دهند. بنابراین، تقریباً همه منابع و نقل قول‌های مرتبط با ترجمه‌های هاپگوود را حذف کرده‌ام. به همان اندازه تمام نقل قول‌های کتاب زندگی من در هنر، ترجمه جی. جی. رابینز را، که چندان رضایت‌بخش نیستند، کنار گذاشتم. من تمام قسمت‌های مربوطه را بار دیگر از اصل روسی ترجمه کردم. منبع جدید اصلی، مجموعه آثار نه‌جلدی است که در حال تکمیل شدن است.

به علاوه مشکل اصطلاح‌شناسی هم در میان است. در اینجا، بار دیگر متخصصان توافق دارند که اصطلاحات ابداعی الیزابت هاپگوود برای انتقال ایده‌های استانیسلاوسکی با اینکه آشنا به نظر می‌آیند، ولی رضایت‌بخش نیستند و در برخی مواقع هم، وقتی کاربرد یکدستی وجود ندارد، گمراه‌کننده‌اند. بنابراین، این اصطلاحات جای خود را به آنهایی داده که من در کتاب استانیسلاوسکی و بازیگر و همین‌طور در زندگینامه اخیراً اصلاح شده استانیسلاوسکی: زندگی و هنر او به کار برده‌ام. ضمیمه جدید دوم، استفاده متغیر خود استانیسلاوسکی از این اصطلاحات را به بحث می‌گذارد.

۱ بنیادها

اگر استانیسلاوسکی آدمی «غریزی» بود، اگر استعدادش – برخی می‌گویند نبوغ – در مقام بازیگر مفری آنی و خودجوش پیدا می‌کرد، آن وقت سیستمی هم وجود نداشت. به همین دلیل سال‌ها تلاش مستمر و بی‌امان لازم بود تا دیوارها و موانعی که سد راه بیان آزاد موهبت‌های بزرگش می‌شد، از میان برداشته شود. جست‌وجوی او برای «قوانین» بازیگری نتیجه این مبارزه بود. حرفه استانیسلاوسکی را می‌توان تحول دردناک کودکی مسحورِ صحنه به هنرمند و معلمی بزرگسال و مسئول در نظر گرفت. او تا انتها مسحور صحنه و ستایشگر بوی چسب و زنگ‌گیریم باقی ماند. شیفتگی او به تئاتر و بازی کردن ذهنش را تا آخرین لحظه نسبت به ایده‌های نو باز و زنده نگه داشت. در عین حال تئاتر برای او تا سرحد ممکن جدی بود، هم از حیث هنری و هم اخلاقی. تئاتر فعالیتی منضبط بود که وقف شدن و آموزش را ایجاب می‌کرد. آنچه ما به عنوان سیستم در نظر می‌گیریم، ریشه در تلاش او برای تحلیل و ارزیابی پیشرفت شخصی‌اش در مقام هنرمند، تلاش برای دستیابی به ایده‌هایش در مقام بازیگر و نیز برآورده کردن معیارهای در حال توسعه‌اش دارد؛ و از این حیث که زاده فعالیت‌های انضمامی است، ارزش بیشتری هم پیدا می‌کند، چون راه‌حلی‌هایی که او پیدا کرد از دل زندگی بیرون آمده بود و نتیجه گمانه‌زنی یا نظریه انتزاعی نبود. سیستم همان عمل اوست که مطالعه، آزمایش و تأیید شد.